

برآورد اثر انفاق بر کاهش فقر در ایران

تاریخ تأیید: ۹۳/۳/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۲

مرتضی عزتی*
مهرداد محمودیان**

چکیده

هدف اصلی پژوهش پیش‌رو برآورد اثر انفاق بر کاهش فقر در ایران است. در پژوهش برای انفاق از شمار موقوفه‌ها و مجموع پرداختی‌ها به کمیته امداد امام خمینی^ع و برای خط فقر از رویکرد نیازهای اساسی و برآورد هزینه سبد ۲۰۸۰ کیلو کالری به ازای هر نفر در روز و از متوسط قیمت آن در بین استان‌ها استفاده شده است. در این بررسی، داده‌های استانی دوره زمانی ۱۳۷۹ - ۱۳۹۰ به کار گرفته شده است. تجزیه و تحلیل با روش اقتصادسنجی پانل دیتا انجام شده است. یافته‌ها گویای این است که انفاق در چارچوب کمیته امداد بر کاهش فقر اثر دارد؛ اما افزایش موقوفه‌ها بر کاهش فقر اثر معنادار نداشته است. از دیگر یافته‌های پژوهش پیش‌رو رابطه مثبت و معنادار کاهش بیکاری و کاهش تورم با کاهش فقر در کشور است.

واژگان کلیدی: فقر، انفاق، وقف، بیکاری، تورم، پانل دیتا.

طبقه‌بندی JEL: I32، E62، Z12، C23.

مقدمه

فقر و اندازه‌گیری آن و راه‌های فقرزدایی در سیاست‌گذاری اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد و این جایگاه روزبه‌روز در کشورهای گوناگون به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در ایران نیز مسئله فقر و فقرزدایی همراه با اینکه از این روند جهانی اثر پذیرفته است، به علت نگاه دینی حاکم بر فرهنگ و سیاست‌گذاری‌ها بیشتر گسترش یافته است. هر چند از دهه‌های گذشته فقرزدایی به نظریه‌های اقتصادی وارد شده بود؛ اما از دهه ۱۹۶۰ و به‌ویژه دهه ۱۹۷۰ نظریه‌های گسترده‌ای در این باره و نیز هدف‌گذاری‌های بیشتری در سیاست‌های عمومی کشورها به سوی فقرزدایی رفت. یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی و خیزش‌های اسلامی در کشورهای دیگر، زدودن فقر از چهره کشورهاست و این خیزش‌ها، نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری درباره فقرزدایی را توسعه داد تا جایی که سازمان ملل متحد به سمت هدف‌گذاری جهانی برای رفع فقر رفت و دهه ۱۹۹۰ را دهه فقرزدایی نامید و همچنان این هدف را تا امروز پیگیری می‌کند. در ایران نیز برای مبارزه با فقر در چارچوب برنامه‌های توسعه و طرح‌ها و برنامه‌های جداگانه سیاست‌گذاری‌هایی شده است. هر چند برخی از اینها اثرگذار بوده‌اند و با اینکه در ایران آرمان‌های فرهنگی و مذهبی برای فقرزدایی بسیار هماهنگ هستند؛ اما به نظر می‌رسد این برنامه‌ها و سیاست‌ها نتوانسته‌اند پدیده ناهنجار فقر را از چهره کشور پاک کنند.

در مقاله پیش‌رو کوشش می‌شود تا بر پایه الگوی اسلامی و شرایط اجتماعی و فرهنگی ایران، برخی عوامل اثرگذار بر کاهش فقر را با محوربودن انفاق شناسایی کنیم. کوشش ما ارزیابی اثر برخی شاخص‌ها و نهادهای دینی و اقتصادی بر فقر است. پرسش اصلی ما این است که آیا انفاق به دو شکل وقف و صدقه فقر را کاهش می‌دهد؟ برای این کار از مفهوم سرمایه مذهبی (اسلامی) و متغیرهای نرخ تورم و نرخ بیکاری به عنوان متغیرهای توضیحی دیگر یاری می‌گیریم و آنها را در جایگاه عوامل اثرگذار بر فقر در کنار انفاق وارد مدل می‌کنیم. مدل اقتصادسنجی ساخته می‌شود و به روش داده‌های تابلویی برآورد می‌شود. داده‌های به‌کار گرفته شده، داده‌های استان‌های کشور برای سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۹۰ است.

نوآوری‌های مقاله، واردکردن چند متغیر در چارچوب دو شاخص به عنوان نماینده انفاق مذهبی، همراه با تورم و بیکاری و برآورد اثر آنها بر شاخص فقر است. این شاخص

فقر برای نخستین بار در این گونه مدل‌ها وارد می‌شود. یافته‌ها نیز نکته‌های خوبی را نشان می‌دهند که این برآورد را از بررسی‌های دیگر متمایز کرده است. در ادامه این نوشتار، پایه‌های نظری و سپس پیشینه بررسی‌ها آورده می‌شود. آنگاه برآورد الگو به روش داده‌های تابلویی انجام می‌شود. در پایان یافته‌ها و جمع‌بندی ارائه می‌شود.

پایه‌های نظری

می‌توان پایه‌های نظری این بررسی را به چند بخش جدا کرد. در اینجا به مفهوم فقر، اندازه‌گیری فقر و انفاق می‌پردازیم و پس از اینها پیشینه پژوهش آورده می‌شود.

۱. مفهوم فقر

درباره مفهوم فقر در ادبیات اقتصادی دیدگاه‌های گوناگونی هست که می‌توان آنها را به سه دسته جدا کرد. یکی دیدگاه فقر مطلق که بر پایه سطح معینی از مصرف کالا یا مواد مورد نیاز بدن یا پول اندازه‌گیری می‌شود. دیگری فقر بر پایه احساس نیاز فرد که در چارچوب مفهومی‌هایی مانند فقر ذهنی، فقر نسبی، رفاه ذهنی و همچون اینها جای می‌گیرد. سوم هم در چارچوب فقر قابلیتی آورده می‌شود.

در دیدگاه اسلامی، دیدگاه اندیشه‌وران شیعه بسیار نزدیک به هم است و می‌توان نظر آنها را یکسان دانست. بر پایه این نظر فقر اندازه‌ای از دارایی است که نتوان با آن نیازهای حد کفایت را برطرف کرد. حد کفایت نیز در شرایط گوناگون می‌تواند یکسان نباشد. اما اندیشه‌وران اهل سنت دیدگاه‌های یکسانی درباره فقر ندارند و دیدگاه‌های گوناگونی نزد آنها پذیرفته شده است که می‌توان در این دیدگاه‌ها، اندازه کفایت، فقر مطلق، فقر نسبی و قابلیت و مانند اینها را دید (باقری، ۱۳۹۲).

در دیدگاه اسلامی، فقر پدیده‌ای ناپسندی است و همه افراد و دولت در یک کشور اسلامی وظیفه دارند در جهت کاهش فقر حرکت کنند؛ البته هیچ‌یک از اینها به معنای برابری انسان‌ها در دست‌یابی به امکانات نیست؛ بلکه در دیدگاه اسلامی وجود تفاوت‌های منطقی و اختیاری که ناشی از توانایی‌ها و کوشش فرد است، مورد تأیید می‌باشد؛ پس افراد می‌توانند با کار و کوشش و دولت با اعمال سیاست‌های مناسب و حمایتی در جهت کاهش فقر در جامعه گام بردارند.

۲. اندازه‌گیری فقر

برای اندازه‌گیری فقر شاخص‌ها و شیوه‌های بسیار گسترده و گوناگونی ارائه شده است. اندازه‌گیری فقر در دو بخش انجام می‌شود: الف) شناسایی فقیر؛ ب) جمع کردن همه فقر در جامعه و اندازه‌گیری فقر. برای این دو بخش روش‌های بسیاری به کار برده شده است که هر یک ویژگی‌هایی دارد. ما نیز در این بررسی روش کار را در دو بخش توضیح می‌دهیم.

شناسایی فقیران

برای شناسایی فقیران در بررسی‌های گوناگون کوشیده می‌شود برای ویژگی فقر اندازه‌ای را مشخص کنند و کسانی که این ویژگی را در اندازه فقر دارند، فقیر دانسته می‌شوند و کسانی که این ویژگی را در دامنه بیرون از اندازه فقر دارند، فقیر دانسته نمی‌شوند. بیشتر بررسی‌ها این اندازه را به نام خط فقر خوانده‌اند و کسانی که ویژگی دارندگی را کمتر از این خط دارند، فقیر دانسته می‌شوند و کسانی که بیشتر از این خط دارند، غیرفقیر دانسته می‌شوند.

یکی از ویژگی‌هایی که پایه شناسایی فقیران قرار می‌گیرد، درآمد است. کسانی که درآمدی بالاتر از خط فقر دارند، غیرفقیر و کسانی که درآمدی پایین‌تر از خط فقر دارند، فقیر شمرده می‌شوند. با این توضیح می‌توان گفت خط فقر آستانه تمیز فقیران و غیرفقیران خواهد بود، ویژگی دیگری که برای شناسایی فقیران به کار می‌رود، برخورداری و تأمین نیازهای اساسی زندگی است. کسانی که این نیازها برایشان تأمین است، غیرفقیر و کسانی که این نیازها برایشان تأمین نیست فقیر دانسته می‌شوند. بر این پایه می‌توان خط فقر را مرز گروه‌های جامعه از نگاه برخورداری یا عدم برخورداری از نیازهای اساسی یا از درآمد معینی در واحدی از زمان دانست (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴، ص ۵۸ - ۵۹).

با این همه، خط فقر هم می‌تواند نسبی یا مطلق دیده شود. شاخص‌های فقر مطلق و فقر نسبی بیشتر در گروه فقر درآمدی قرار دارند و فقر قابلیتی که فقر را به مثابه محرومیت از قابلیت یعنی عدم توانایی خروج از وضعیت فقر تعریف می‌کند (مدنی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸). در اجرای سیاست‌های فقرزدایی و نیز توزیع درآمدی، انتخاب یکی از دو روش مطلق یا نسبی برای اندازه‌گیری خط فقر اهمیت دارد. استفاده از خط فقر نسبی در سیاست‌گذاری‌ها مختص کشورهای توسعه یافته است که مشکل فقر مطلق در این کشورها تا حدودی حل

شده است؛ اما در کشورهای در حال توسعه برای ارزیابی اثر سیاست‌های فقرزدا در طی زمان نیاز است که خط فقر مطلق اندازه‌گیری شود (باقری، حیدری و دانش‌پرور، ۱۳۸۸، ص ۱۳).
 ما در این بررسی ویژگی برخورداری از نیازهای اساسی را به‌کار می‌گیریم؛ یعنی اندازه‌گیری خط فقر بر پایه نیازهای اساسی است. در این روش نیازهای اساسی فرد به کالاها و خدمات اندازه‌گیری می‌شود و هزینه آن برآورد می‌شود و داشتن درآمدی به اندازه این مبلغ یا بیشتر از آن، برخورداری و درآمدی کمتر از آن، فقر دانسته می‌شود. این کار انجام شده است و نیازهای اساسی به ازای هر نفر برابر سبد ۲۰۸۰ کیلو کالری در روز به‌دست آمده است. این سبد با متوسط قیمت آن در هر استان در هر سال اندازه‌گیری شده است و خط فقر استانی در هر سال به‌دست آمده است. با به‌کارگیری داده‌های درآمد و هزینه خانوار که از سوی مرکز آمار ایران هر سال فراهم می‌شود، شمار جمعیت زیر خط فقر هر استان در هر سال برآورد و در مدل آورده شده است.

اندازه‌گیری فقر

برای اندازه‌گیری فقر شاخص‌های گوناگونی وجود دارد. شاخص نسبت افراد فقیر (نسبت سرشمار) ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین روش اندازه‌گیری شدت فقر است و در عین حال بسیار ملموس و قابل درک است (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱، ص ۵). شاخص نسبت افراد فقیر (H) به‌صورت نسبت تعداد افراد فقیر به کل افراد جامعه تعریف می‌شود (به شکل درصد مورد استفاده قرار می‌گیرد).

$$H = \frac{q}{n}$$

q: تعداد افراد فقیر در جامعه n: تعداد کل افراد جامعه $0 < H < 1$

ما در پژوهش پیش‌رو از شاخص نسبت سرشمار به علت ساده و کاربردی بودن استفاده می‌کنیم. شاخص‌های دیگری نیز برای اندازه‌گیری فقر وجود دارد که مهم‌ترین آنها عبارت هستند از: شاخص نسبت شکاف درآمدی، شاخص سن، شاخص تاکایاما، شاخص فوستر، گریپروتوربک و شاخص بلاکوری و دونالدسون (سلیمی فر و خزاعی، ۱۳۸۴، ص ۳-۵۲).

۳. انفاق

یکی از ابزارهای پایه‌ای اسلامی برای فقرزدایی و تحقق عدالت انفاق است. انفاق رشد و تعالی بخش انسان‌های پرداخت‌کننده و در پی آن جامعه است؛ زیرا انفاق یک عمل اقتصادی است، می‌تواند از متغیرهای اقتصادی و اجتماعی اثرپذیری بسیاری داشته باشد. مسلمانان و مومنان قواعد مذهبی اسلامی را مراعات می‌کنند. بخشی از این قواعد به صورت انجام مخارج مذهبی بروز می‌کند؛ از این رو مسلمانان در کنار هزینه‌های زندگی دنیوی، هزینه‌هایی نیز دارند که می‌توان به آنها مخارج مذهبی اطلاق کرد. بخشی از هزینه‌های مذهبی انفاق‌ها هستند (انفاق‌های واجب و مستحبی).

به صورت ساده می‌توان گفت انفاق می‌تواند شامل تمام پرداخت‌های واجب و مستحب، خدمات و ... که فرد نسبت به افراد و جامعه انجام می‌دهد، در نظر گرفت که برخی از پرداخت‌ها و خدمات ثبت و محاسبه می‌شود؛ اما برخی دیگر بدون ثبت و به صورت پنهانی و آشکار صورت می‌گیرد. در این بررسی کمک‌های مردمی و صدقات (کمک‌های مردمی نقدی، کالا، صدقات، اموال و ...)، وجوهات امانی (طرح اکرام، اطعام و افطاری، هزینه ازدواج و جهیزیه، کفاره عمد و غیرعمد، زکات فطریه عام و سهم سادات، جشن رمضان، امانی ایتم، کمک‌های جشن نیکوکاری، کمک‌های جشن عاطفه‌ها، کمک‌های مردمی به خسارت دیدگان ناشی از حوادث طبیعی و دیگر وجوهات امانی) و زکات* (از سال ۷۹ - ۸۹ به تفکیک استان‌های کل کشور، ۲۸ استان) که به وسیله کمیته امداد امام خمینی^ع و سازمان بهزیستی جمع‌آوری شده، محاسبه شده است. این داده‌ها به عنوان بخش اصلی انفاق مستقیم در نظر گرفته شده است و چون داده‌های دیگر درباره انفاق ناقص بوده است از وارد کردن آنها صرف نظر شده است.

*. آمار زکات، فقط سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۸۶ بوده است؛ اما به علت کوچک بودن آمار زکات، نبود آن در سال‌های دیگر لطمه‌ای به نتیجه‌های تحقیق پدید نمی‌آورد؛ چون با حذف آمار سال‌های ۸۵ - ۸۶ و تخمین مدل تغییری بسیار ناچیزی در نتیجه‌ها پدید آمده است؛ باید توجه داشت به علت اینکه از سال ۱۳۸۳ کمیته امداد امام متولی جمع‌آوری زکات شده است و درآمد زکات نسبت به دیگر درآمدهای کمیته امداد امام خمینی^ع بسیار ناچیز است.

افزون بر این، بخشی از انفاق‌ها در چارچوب وقف انجام می‌شود؛ اما وقف بیشتر برای جهت‌های ویژه انجام می‌شود و تمام آن با هدف فقرزدایی نیست. با وجود این، این هم یک انفاق است و برای واردکردن آن در مدل کوشیده‌ایم شمار موقوفه‌های هر استان را در دوره بررسی از سازمان حج، اوقاف و امور خیریه بگیریم و به عنوان یک متغیر در مدل بیاوریم.

پیشینه پژوهش

بررسی‌های تجربی درباره این نوشتار را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: یک دسته بررسی‌های عوامل اثرگذار بر فقر و دیگری بررسی‌ها درباره انفاق است. درباره فقر بررسی‌های گوناگونی انجام شده و بر پایه آنها نوشته‌هایی در دسترس است. برخی از آنها به فقر مطلق و برخی به فقر نسبی و برخی نیز به فقر شهری و روستایی پرداخته‌اند. در شماری از آنها هم به بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر فقر پرداخته شده است. اندکی از بررسی‌ها نیز به اثر نهادهای اسلامی بر فقر پرداخته‌اند. در ذیل نگاهی به چند نمونه از اینها می‌کنیم.

راغفر و /براهیمی (۱۳۸۶) در مقاله «فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۸ - ۱۳۸۳» با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوارها به اندازه‌گیری فقر در مناطق شهری و روستایی در این دوره پرداخته‌اند. خط فقر را با رویکرد حداقل نیازهای اساسی (۲۰۰۰ کیلو کالری) و روش اورشانسکی محاسبه کرده‌اند؛ سپس شاخص‌های گروه فوستر، گریر و توربک برای مقادیر $\alpha = 0, 1, 2$ برای هر یک از سال‌های مورد بررسی به تفکیک شهر و روستا برآورد زده شده و به این یافته‌ها رسیده است: روند کلی شاخص‌ها در فقر شهری و روستایی نزولی بوده است؛ یعنی درصد جمعیت زیرخط فقر، شکاف فقر و شدت فقر در سال‌های بررسی کاهش یافته است.

زیبایی و شیروانین (۱۳۸۸) در مقاله «بررسی اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر نرخ فقر شهری و روستایی در ایران»، هم‌بستگی میان نرخ فقر و متغیرهای اقتصاد کلان و وقوع اثرات نامتقارن را با استفاده از تابع فقر به فرم تفاضلی مرتبه اول بررسی کرده‌اند. داده‌های سری زمانی متغیرهای اقتصاد کلان و نرخ فقر مربوط به دوره ۱۳۵۷ - ۱۳۸۳ است. نتیجه‌ها بیانگر رابطه‌ای به‌طور کامل بی‌کشش بین فقر و تغییرهای دستمزد است؛ اما فقر با نرخ

تورم و بیکاری رابطه‌ای مستقیم و معنادار دارد. نتیجه‌ها همچنین نشان داد که کشش‌پذیری فقر نسبت به نرخ بیکاری بیش از کشش‌پذیری این متغیر نسبت به نرخ تورم است. این نتیجه نیز به‌دست آمد که رابطه میان فقر و بیکاری نامتقارن نیست؛ اما رابطه میان فقر و نرخ تورم نامتقارن است، به این صورت که کاهش فقر به هنگام پایین‌بودن نرخ تورم، بیش از افزایش آن در هنگام بالا بودن نرخ تورم است.

خدا داد کاشی و شهیکی‌تاش (۱۳۸۹) در مقاله «اثر متغیرهای کلان بر فقر در ایران رویکرد بوت استرپ در تحلیل استنتاج آماری»، به بررسی چگونگی اثرگذاری متغیرهای کلان بر فقر در ایران پرداخته‌اند. نتیجه‌های این بررسی نشان می‌دهد رشد اقتصادی اثر معناداری بر شدت فقر در ایران داشته است. ارتباط بین رشد اقتصادی و شاخص آمارتیا سن نیز منفی بوده است؛ یعنی جریان رشد اقتصادی اثرهای مثبتی بر کاهش فقر در ایران به همراه داشته است. نیز یافته‌ها بیانگر اثر مثبت بیکاری و تورم بر افزایش فقر در ایران بوده است و هزینه‌های تأمین اجتماعی و بهزیستی نسبت به بودجه دولت، اثر معناداری بر کاهش فقر نداشته و ضریب جینی اثر منفی بر شاخص آمارتیا سن داشته است. در ارزیابی دقیق‌تر درباره نتیجه‌های به‌دست آمده، از روش بوت استرپ برای محاسبه انحراف معیار، فاصله اطمینان و تصحیح اریبی در استنباط آماری استفاده شده است.

کیاء/الحسینی (۱۳۸۹) به بررسی نقش زکات فطره در فقرزدایی در ایران ۱۳۷۰ - ۱۳۸۵ پرداخته است. وی کوشیده است همراه بحث‌های فقهی با توجه به اطلاعات موجود، ارزش ریالی زکات فطره را در سطح خانوارهای شهری و روستایی در هر دهک درآمدی (هزینه‌ای) و همچنین در سطح ملی را برای دوره زمانی ۱۳۷۰ - ۱۳۸۵ برآورد کند. در مقاله با توجه به آمار دهک‌هایی که زیر خط فقر قرار دارند ارزش زکات فطره کشور برای دو جامعه روستایی و شهری کشور در سطح خانوار و ملی محاسبه و با در نظر گرفتن نتیجه‌های مربوط به شکاف فقر، بین ارزش زکات فطره با شکاف فقر در سطح کشور مقایسه شده است. نتیجه گویای آن است که در فاصله زمانی پیش‌گفته ارزش زکات بالقوه برای فقرزدایی کافی نبوده و باید از ابزارهای دیگری مانند زکات مال، خمس و دیگر پرداخت‌ها یاری جست.

کیاء الحسینی (۱۳۸۵) در بررسی دیگری به نقش خمس و زکات در فقرزدایی و مقایسه آن با درآمدهای مالیاتی ایران پرداخته است. در این مقاله با بررسی نقش خمس و زکات در فقرزدایی، آثار آن را با مالیات مقایسه کرده است.

موسایی و کرمی (۱۳۸۷) نقش خمس را در رفع فقر در شهر شال قزوین بررسی کرده‌اند. در این مقاله که حاصل یک بررسی میدانی در شهر شال قزوین است، اندازه بالقوه وجوهات شرعی با تأکید بر خمس با فروضی مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده شده است که این منبع برای تأمین اجتماعی به معنای رفع فقر، نه تنها کفایت می‌کند؛ بلکه با به‌کارگیری آن در جهت رفع فقر، خط فقر را نیز تا قریب ۶۰ درصد موجود بهبود خواهد بخشید. افزون بر فقر درباره انفاق هم بررسی‌هایی در داخل کشور صورت گرفته که در ذیل به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

موسایی (۱۳۸۷) جایگاه انفاق و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی آن را در شهر بهبهان بررسی کرده‌اند. در این مقاله رفتارهای انفاق‌گونه مردم بهبهان بررسی شده است. منظور از انفاق، پرداخت‌های مالی واجب و مستحب به وسیله خانوارها به نیازمندان است؛ جمع‌آوری اطلاعات به روش پرسشنامه صورت گرفته و در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی و برای بررسی روابط معناداری از آماره کای اسکویر استفاده شده است. واحد تحلیل سرپرست خانوار و تعداد نمونه‌ها ۴۴۴ خانواده بوده که به صورت تصادفی ساده در سطح شهر بهبهان انتخاب شده‌اند. نتیجه حاکی است که درصد قابل توجهی از جامعه مورد مطالعه، انفاق‌های واجب و مستحب را پرداخت می‌کنند و انفاق‌های واجب و مستحب با درآمد و تحصیلات (متغیرهای تعیین‌کننده پایگاه اجتماعی) رابطه معنادار دارند.

سیحانی و مهربانی (۱۳۸۵) در مقاله توزیع درآمد و نابرابری‌های درآمدی کوشیده‌اند تا بر عامل انفاق که از مجموعه متغیرهای مؤثر بر نابرابری درآمدهاست تمرکز کنند و آن را تحلیل کنند. نتیجه‌های به دست آمده بر پایه داده‌های دوره ۱۳۶۳ - ۱۳۸۵ در ایران نشان می‌دهند که انفاق عامل کاهنده نابرابری درآمدها بوده و این اثر معنادار اما در عین حال کوچک است.

عزتی و شهریار (۱۳۹۱) در بررسی با عنوان ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی^ع درباره گردآوری زکات در پی آن بوده‌اند تا به ارزیابی عوامل اثرگذار بر جمع‌آوری زکات به وسیله کمیته امداد پردازند تا شاید از این رهگذر بتوانند سازوکارهایی برای بهبود عملکرد آن پیشنهاد کنند. در این مقاله زکات از دیدگاه نظری، عملکرد زکات در ایران و تجزیه و تحلیلی بر عوامل مؤثر بر عملکرد کمیته امداد درباره جمع‌آوری زکات بر پایه داده‌های در دسترس آورده و به دو روش عملکرد زکات در کشور تحلیل شده است. در آغاز یک تحلیل آماری از عملکرد زکات، پس از آن یک بررسی اقتصادسنجی با داده‌های مقطعی استانی سال ۱۳۹۰ برای ایران شده است. نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد اندازه جمع زمین‌های کشاورزی جامعه، شمار کارگزاران جمع‌آوری‌کننده زکات، ویژگی روحانی بودن کارگزاران جمع‌آوری‌کننده زکات، مذهبی بودن جامعه و متغیر دامی برای نشان‌دادن یکی از ویژگی‌های فرهنگی مذهبی در اندازه زکات جمع‌آوری‌شده اثر معنادار داشته‌اند.

عزتی و شفیع (۱۳۹۱) در مقاله با عنوان برآورد اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق در ایران، در پی آن بوده‌اند تا اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق با نگاه به آموزه‌های اسلامی را برآورد کنند. نتیجه‌های این بررسی نشان می‌دهد که تابع انفاق به صورت تابعی نمایی است و اندازه بازار مالی، درآمد سرانه، سن، ثروت و سرمایه مذهبی در ایران اثر مثبت بر انفاق دارند.

عزتی و نورمحمدلو (۱۳۹۱) در بررسی اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق اثر بهبودها و نابسامانی‌های بازارها بر انفاق را برآورد کرده‌اند. برای این منظور، کوشش شده است اثر برخی متغیرهای اصلی اقتصادی جامعه بر انفاق برآورد شود. اثر متغیرهای درآمد (تولید) که نشانه بهبود اقتصاد است، شمار واحدهای مذهبی که نشان‌دهنده اندازه بازارهای جانشین انفاق مالی از راه کمیته امداد برای انفاق هستند، بیکاری و تورم که نابسامانی بازار کار و بازار کالاها و خدمات را نشان می‌دهند و هزینه‌های دولتی که تزیق به جامعه را نشان می‌دهد، در مدل وارد شده است. این کار با روش داده‌های ادغام‌شده اقتصادسنجی و به‌کارگیری داده‌های استان‌های کشور برای سال‌های ۱۳۸۰ - ۱۳۸۸ انجام شده است. نتیجه‌ها نشان می‌دهد انفاق تابع مثبت درآمد سرانه استانی و هزینه‌های استانی دولت و تابعی کاهنده از تعداد نهادهای مذهبی جایگزین و تابعی کاهنده از تورم و بیکاری به عنوان

عامل نابسامانی اقتصادی است. کشش‌ها نیز نشان می‌دهند انفاق سرانه استانی نسبت به درآمد سرانه استانی و نیز نسبت به تعداد سرانه نهادهای مذهبی به عنوان فرصت جانشین انفاق کم‌کشش هستند و از این جهت می‌توان گفت مصرف‌کنندگان آن را هزینه ضروری تلقی می‌کنند.

صادقی، عزتی و شفیع (۱۳۹۲) در مقاله با عنوان «برآورد تابع انفاق در ایران»، درصد هستند تا به بررسی عوامل مؤثر بر انفاق و رفتار تابع انفاق با توجه به آموزه‌های اسلامی پردازند. در این بررسی تابع انفاق در ایران به صورت تجربی برآورد شده است. نتیجه‌های مدل نشان می‌دهد که تابع انفاق به صورت تابعی نمایی بوده و تابعی فزاینده از درآمد سرانه استانی، ثروت و سرمایه مذهبی است.

در بررسی پیشینه موضوع درمی‌یابیم که مسئله فقر از موضوع‌های بسیار مهم از دیدگاه نظری و در بررسی‌های تجربی است. مهم‌تر از آن اهمیت و جایگاه فقر و برطرف‌کردن آن در رویکرد اجتماعی و سیاسی است. به گونه‌ای که شدت یافتن فقر توانسته است علتی برای تغییرها و تحول‌های مهم سیاسی و اجتماعی در کشورهای گوناگون بشود. بررسی‌های تجربی نشان می‌دهند که عوامل بسیار گوناگونی در پدیدآمدن و برطرف‌کردن یا افزایش و کاهش فقر اثرگذار هستند. گستردگی این عوامل می‌تواند نشان‌دهنده پیچیدگی پدیده فقر باشند. اسلام نیز به علت اهمیت پدیده فقر، رویکرد ویژه‌ای به آن داشته و کوشیده است با آموزه‌های گسترده‌ای که در این باره داده است، مسلمانان را برانگیزاند تا به کاهش فقر در جامعه خود پردازند. افزون بر اینها نهادهایی از سوی مسلمانان در جهت کردار برابر این آموزه‌ها ساخته شده است. از نهادهای اثرگذار مهم فقرزدا در اسلام، انفاق است. در اسلام اصل پرداخت انفاق برای ساخته‌شدن و خداگونه‌شدن انسان است؛ اما همراه آن فقرزدایی نیز می‌شود. این فقرزدایی به شرطی انجام می‌شود که مسلمانان به آموزه‌های دینی پای‌بند باشند. یک عامل مهم پای‌بندساز مسلمانان به آموزه‌های دینی، سرمایه مذهبی است. هر چند بررسی‌های گسترده‌ای درباره عوامل اثرگذار بر فقر در دسترس است؛ اما بررسی تجربی درباره اثر انفاق بر کاهش فقر و نیز اثر سرمایه مذهبی بر فقر دیده نمی‌شود؛ به‌ویژه اینکه ما انفاق را در وقف و صدقه دیده‌ایم. بر این پایه و با رویکرد اسلامی بسیار مهم

است که ببینیم این نهادهای اسلامی چگونه کارکردی در زمینه‌های گوناگون و در این جا درباره کاهش فقر دارند. بر پایه این اهمیت پژوهش ما به بررسی این موضوع می‌پردازد.

روش پژوهش

در پژوهش پیش‌رو با داده‌های پانل دیتا و بسته نرم‌افزاری ای ویوز ۷ به برآورد مدل می‌پردازیم. روش پانل دیتا (Panel data) روشی برای تلفیق داده‌های مقطعی و سری زمانی است.

داده‌ها و دوره زمانی

داده‌های این پژوهش داده‌های سالانه استان‌های کشور در دوره زمانی ۱۳۷۹ - ۱۳۹۰ است. از آنجا که استان خراسان در سال ۱۳۸۳ به سه استان تفکیک شده است و داده‌های سال پیش و حتی برای برخی متغیرها داده‌های یک سال بعد نیز به تفکیک این استان‌ها نبوده، این سه استان در چارچوب یک استان در نظر گرفته شده‌اند؛ یعنی در مجموع، داده‌های ۲۸ استان مورد بررسی قرار گرفته است.

متغیرهای مدل

نرخ فقر، متغیر وابسته مدل است که داده‌های آن از کار ارائه شده از سوی راغفر گرفته شده است. در این روش از داده‌های پایه، داده‌های آمارگیری از درآمد و هزینه خانوار مرکز آمار ایران بوده است که هر سال برای جامعه شهری و روستایی ایران جداگانه گردآوری و چاپ می‌شوند. در این شاخص فقر نخست خط فقر مطلق هر استان بر پایه نیاز به کالری (۲۰۸۰ کالری در روز) اندازه‌گیری شده و به آن نیازهای غیرغذایی نیز افزوده شده است. برای نیازهای غیرغذایی هم از شاخص معکوس ضریب انگل استفاده شده است. پس از آن با جمع این دو نیاز زندگی به دست آمده است که خط فقر را می‌سازد. افرادی که در هر استان زیر این خط هستند، شمرده می‌شوند و سهم اینها از جمعیت جامعه، درصد فقیران است که شاخص فقر ماست.

نرخ بیکاری استانی یکی از متغیرهای توضیح‌دهنده مدل است که داده‌های آن از سالنامه‌های آماری استانی که هر سال به وسیله مرکز آمار منتشر می‌شود، گردآوری شده است. از آنجا که بیکاری می‌تواند بر روی فقر و گسترش آن نقش داشته باشد، مورد

بررسی قرار می‌گیرد. ارزیابی بازار کار و اشتغال مولفه کلیدی در راهبردهای کاهش فقر، از راه بهبود سرمایه انسانی و تخصیص منابع سرمایه انسانی یک کشور به پربازده‌ترین جاها، گسترش رفاه و محرک رشد و توسعه است. چون کار یک عامل اصلی به‌دست آوردن درآمد است، بیکار از این درآمد محروم است و در معرض فقر قرار دارد. بر این پایه بیکاری می‌تواند یک عامل مهم برای گسترش فقر باشد؛ به همین علت این متغیر وارد مدل شده است.

نرخ تورم استانی یک متغیر توضیح‌دهنده دیگر مدل است که داده‌های آن از بانک مرکزی جمع‌آوری شده است. تورم نیز به‌نوبه خود می‌تواند فقر را تحت اثر خود قرار دهد. تورم بر روی اقتصاد و در نتیجه بر روی فقر از چند جهت اثر دارد. نخست تورم باعث افزایش قیمت کالای داخلی در مقایسه با کالای خارجی و در نتیجه افزایش واردات می‌شود که باعث افزایش بیکاری در جامعه می‌شود. دوم تورم خود، سازوکاری است که درآمدها را از گروه‌های با درآمد ثابت به گروه‌های با درآمد آزاد منتقل می‌کند و توزیع درآمد و ثروت را به زیان فقیرها تغییر می‌دهد. تورم قیمت دارایی‌ها را افزایش می‌دهد و بر این پایه، دارایی ثروتمندان افزایش می‌یابد؛ در مقایسه سهم آنان از ثروت در برابر فقیران کاهش می‌یابد. تورم، قدرت خرید هر درآمدی را کاهش می‌دهد و کاهش درآمد واقعی به معنای آمدن گروه‌های درآمدی به سمت فقر بیشتر است. تورم نیز درآمد واقعی دارندگان درآمد دوره‌ای یکسان که بیشتر فقیران و طبقه میانه جامعه هستند را بیشتر کاهش می‌دهد و به فقر دامن می‌زند.

درآمدهای کمیته امداد برای پرداخت به نیازمندان (فقیران) هزینه می‌شود. یک نهاد مذهبی فقرزدای مهم در اقتصاد ایران که در حال کار است، کمیته امداد امام خمینی علیه السلام می‌باشد. این کمیته، معرف یک نهاد مذهبی است و کار آن به‌صورت مستقیم در جهت فقرزدایی است. برای نشان دادن بهتر اثر این نهاد مذهبی، اندازه درآمدهای اختصاصی این کمیته را به عنوان یک متغیر نماینده نهاد مذهبی وارد مدل می‌کنیم. درآمدهای اختصاصی و وجوهای امانی کمیته امداد امام خمینی علیه السلام است که به تمام درآمدهای کمیته امداد مانند کمک‌های مردمی، درآمدهای محلی، وجوه شرعی و امانی، کمک‌های مؤسسه‌ها و سازمان‌ها، کمک‌های خیریه‌ها و کارخانه‌ها، درآمدهای حاصل از فعالیت‌های اقتصادی به

جز اعتبارات و بودجه‌های دولتی است. داده‌های این متغیر از سالنامه‌های آماری کمیته امداد جمع‌آوری شده است.

وقف نیز اگر به‌جا وقف و هزینه شود، می‌تواند فقرزدا باشد و به کاهش فقر کمک کند. می‌توان گفت درآمدهای کمیته امداد، مستقیم برای فقرزدایی به‌کار می‌رود؛ اما موقوفه‌ها که بیشتر وقف امامزاده‌ها و امام رضا علیه السلام می‌باشد، ممکن است کمتر بتواند در فقرزدایی اثر بگذارد. شمار موقوفه‌ها می‌تواند نشان‌دهنده یخشی از کارهای مذهبی نهادینه‌شده مردم باشد که هنگام اجتماعی شده است. داده‌های این متغیر از سازمان اوقاف و امور خیریه گرفته شده است. بر این پایه ما کوشیدیم این دو متغیر را جداگانه در نظر بگیریم و وارد مدل کنیم. هر چند می‌توان ترکیب آنها را نیز به عنوان یک متغیر وارد مدل کرد. یادآوری این نکته نیز به‌جاست که اگر درآمد و نیز ارزش ریالی موقوفه‌ها در دسترس بود می‌توانست اثر وفق را بهتر نشان دهد؛ اما چون داده‌های اینها نیستند، ما تعداد موقوفه‌ها را به‌کار برده‌ایم.

مدل پژوهش

برای برآورد روابط بین متغیرها از داده‌های ترکیبی (سری زمانی و مقطعی) استفاده شده است. مدل آن به‌صورت ذیل است که تعداد مشاهده‌ها در میان اعضای پانل یک‌سان است و یک پانل متوازن است.

$$LPL = \alpha + \beta_1 LDK + \beta_2 LUR + \beta_3 LIR + \beta_4 LVN + \mu_i + \epsilon_{it}$$

$$i = 1, 2, \dots, 27 \quad t = 1, 2, \dots, 11$$

در آن داریم:

PI_{it} : نرخ فقر در مقطع i و در زمان t .

β : مقدار عرض از مبدا کلی رگرسیون.

DK_{it} : درآمدهای اختصاصی کمیته امداد در مقطع i و در زمان t .

VN_{it} : شمار موقوفه‌ها در مقطع i و در زمان t .

UR_{it} : نرخ بیکاری در مقطع i و در زمان t .

IR_{it} : نرخ تورم در مقطع i و در زمان t .

μ_i : اثر فردی غیرقابل مشاهده هر یک از مقاطع.

ϵ_{it} : جمله خطا.

۱. آزمون تشخیص مدل (F لیمر)*

گام نخست برای برآوردهای پانل دیتا تعیین قیدهای وارد شده برای مدل اقتصادسنجی است. به عبارت دیگر، نخست باید روشن کنیم که رابطه رگرسیونی در نمونه بررسی، دارای عرض از مبدأهای ناهمگن و شیب همگن است یا اینکه فرضیه عرض از مبدأهای

* آنچه به طور کلی در مدل‌های پانل مطرح می‌شود این است که فرضاً n واحد (مانند استان) جداگانه وجود دارند که با شاخص i از ۱ تا n شماره‌گذاری می‌شوند و نیز t دوره زمانی متوالی وجود دارد که در مجموع $N=nt$ مشاهده خواهیم داشت. اگر رگرسیون خطی پانل، به صورت ذیل باشد:

$$Y_{it} = \alpha_i + \beta_1 X_{1it} + \beta_2 X_{2it} + \dots + \beta_k X_{kit} + e_{it}$$

متغیرها عبارت هستند از:

Y_{it} : ارزش متغیر وابسته برای واحد i ام در دوره t ام.

X_{iit} : ارزش متغیر توضیحی j ام برای واحد i ام در دوره t ام.

۴۵

$$i = 1, \dots, n$$

$$t = 1, \dots, t$$

$$j = 1, \dots, k$$

در این رگرسیون دستگاه عمومی پارامترهای تمام واحدها در تمام زمان‌ها بیان شده است. اختلاف بین مقاطع (استان‌ها) در α_i نشان داده می‌شود و در طول زمان ثابت فرض می‌شود. اگر فرض این باشد که α_i برای تمام استان‌ها ثابت است، روش OLS تخمین‌های کارا و سازگاری از β, α به دست خواهد داد؛ اما اگر فرض کنیم که در بین استان‌ها اختلاف وجود دارد، از روش panel data برای تخمین استفاده می‌شود.

برای تعیین وجود (یا عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از استان‌ها از آماره F به صورت ذیل استفاده می‌شود. فرضیه صفر بیان می‌کند که α_i برای تمام استان‌ها ثابت است و می‌توان روش OLS را بکار برد:

$$H_0 : \alpha_0 = \alpha_1 = \dots = \alpha_n = \alpha$$

$$H_1 : \alpha_i \neq \alpha_j$$

$$F(n-1, nt-n-k) = \frac{(RSS_{UR} - RSS_R)/(n-1)}{(1 - RSS_{UR})/(nt-n-k)}$$

در این رابطه، UR مشخص‌کننده مدل غیرمقید و علامت R، نشان‌دهنده مدل مقید با یک عبارت ثابت برای تمام استان‌هاست. k ، تعداد متغیرهای توضیحی ملحوظ در مدل، n تعداد استان‌ها و $N = nt$ تعداد کل مشاهدات و (t دوره زمانی موردنظر) است. اگر F محاسبه شده از F جدول با درجه آزادی $(n-1)$ و $(nt-n-k)$ بزرگ‌تر باشد، آنگاه فرضیه صفر رد می‌شود؛ بنابراین رگرسیون مقید اعتبار ندارد و باید عرض از مبدأهای گوناگونی را در برآورد لحاظ کرد. ما این آزمون را با استفاده از آزمون Redundant Fixed Effects در فضای نرم‌افزار Eviews6 انجام دادیم.

مشترک و شیب مشترک در بین مقاطع (مدل داده‌های تلفیقی) پذیرفته می‌شود. برای این کار آزمون F به کار برده می‌شود. نتیجه‌های آزمون F در جدول ۱ آورده شده است. نتیجه‌های آزمون بیانگر رد شدن فرضیه صفر و وجود ناهمگنی مقاطع در سطح ۰.۰۵ درصد است که بیانگر خوب بودن روش پانل دیتا برای برآورد مدل است:

جدول ۱: آزمون تشخیص مدل

Redundant Fixed Effects Tests. Test cross-section fixed effects			
Effects Test	Statistic	d.f	Prob.
Cross-section F	34.539436	(27,304)	0.0000

۲. آزمون هم‌انباشتگی (هم‌جمعی)

برای بررسی هم‌انباشتگی داده‌های پانل، می‌توان از روش‌های پدرونی بر پایه انگل و گرانجر، کاو بر پایه انگل و گرانجر یا فیشر یاری جست. در اینجا از آزمون هم‌انباشتگی کاو بر پایه انگل و گرانجر استفاده می‌شود. نتیجه آزمون در جدول ذیل آورده شده است:

جدول ۲: آزمون هم‌انباشتگی

Test Summary	t-Statistic	Prob.
ADF	-2.162833	0.0153

بر پایه نتیجه‌ها، فرضیه نبودن رابطه هم‌جمعی میان متغیرها قابل رد است. بر این پایه، میان متغیرها ارتباط بلندمدت وجود دارد. آزمون هم‌جمعی فقط وجود یا نبود رابطه بلندمدت را بیان می‌کند و اندازه ارتباط و چگونگی علامت آن با این آزمون نمی‌تواند تعیین شود. بر این پایه، برای بررسی اندازه و چگونگی این رابطه باید از روش‌های برآورد رابطه یاری گرفت.

۳. آزمون هاسمن^{*۱}

آزمون هاسمن برای تشخیص خوبی استفاده از الگوی اثرهای ثابت یا تصادفی به کار گرفته می‌شود. نتیجه این آزمون در جدول ذیل آورده شده است.

جدول ۳: نتیجه‌های آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات تصادفی یا مدل اثرات ثابت

Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f	Prob.
Cross-section random	۱۱.۳۴۸۴۷۰	۴	۰.۰۲۲۹

چنان‌که دیده می‌شود بر پایه نتیجه‌های این آزمون، فرضیه استفاده از مدل با اثرهای تصادفی پذیرفته نمی‌شود و باید مدل با اثرهای ثابت به کار برده شود.^{**}

*. اگر بعد از انجام دادن آزمون F فرضیه H0 در برابر H1 رد شده باشد، اکنون این پرسش مطرح است که مشخص‌نمایی درست کدام است؟ و مدل در قالب کدام یک از مدل‌های اثرهای ثابت ۱ و اثرهای تصادفی ۱ قابل بیان و بررسی است.

برای آزمون اینکه مدل با بهره‌گیری از روش اثرهای ثابت یا تصادفی برآورد شود، از آزمون هاسمن (Hausman Test) به صورت ذیل استفاده می‌شود:

H0: Random Effects

H1: Fixed Effects

$$H \equiv n \hat{q}' (A \text{ var}(\hat{q}))^{-1} \hat{q}$$

که در آن:

\hat{q} : تفاضل ضرایب برآورد شده برای متغیرهای توضیحی لحاظ شده در روش اثرهای ثابت و تصادفی

$$\hat{q} = \hat{\beta}_{FE} - \hat{\beta}_{RE}$$

$A \text{ var}(\hat{q})$: واریانس مجانبی \hat{q}

n : تعداد مشاهده‌ها.

فرضیه صفر این است که تخمین‌زن‌های مدل اثرهای تصادفی و اثرهای ثابت به‌طور اساسی تفاوتی با یکدیگر ندارند. اگر فرضیه صفر رد شود نتیجه می‌گیریم که روش اثرات تصادفی مناسب نیست و بهتر است از روش اثرهای ثابت استفاده کنیم. آماره هاسمن توزیع کای - دو با درجه آزادی برابر تعداد ضرایب تخمین زده شده در مدل دارد. اگر آماره محاسبه شده در سطح احتمال معین از توزیع کای - دو جدول بزرگ‌تر باشد، در این صورت فرضیه صفر رد می‌شود.

** یادآوری می‌شود بر پایه دانش اقتصادسنجی آزمون مانایی برای داده‌های سری زمانی بیش از ۱۵ سال است؛ چون داده‌های زمانی بررسی ما کمتر است نیازی به بررسی مانایی ندارد (بالتاجی، ۲۰۰۵، ص ۵ و Rinat, 2013).

برآورد مدل و یافته‌ها

ما نخست مدل را با وارد کردن تمام متغیرهای برآورد کردیم، معادله رگرسیون برآورد شده که در آن تمام متغیرها لگاریتمی هستند، به صورت ذیل است:

$$LPL = -0.938 - 0.083 LDK - 0.012 LVN + 0.116 LUR + 0.153 LIR$$

که در آن LPL نرخ فقر به عنوان متغیر وابسته تابعی از درآمدهای اختصاصی کمیته امداد (LDK)، شاخص موقوفه‌ها (LVN)، نرخ بیکاری (LUR) و نرخ تورم (LIR) است. برآورد انجام شد اما متغیر وقف ضریب‌های خوبی به دست نداد. ضریب متغیر وقف بر افزایش فقر (۰.۰۱۲-) است؛ معنای آن اثر کاهش دهندگی بر فقر است؛ اما این متغیر از دیدگاه آماری معنادار نیست و نمی‌توانیم درستی اثر آن را بپذیریم (جدول ۴). یکی از علت‌های آن این است که در ایران بیشتر وقف‌ها فقرزدا نیستند. در ایران وقف بیشتر برای اماکن مذهبی مانند امامزاده‌ها و حرم امام رضا علیه السلام و مانند اینها انجام می‌شود و نمی‌توان اثر آن را بر فقر روشن دانست. می‌تواند این‌گونه کارکردها باشد که رابطه آماری معناداری میان وقف و کاهش فقر نشان داده نمی‌شود.

جدول ۴: نتیجه برآورد مدل به روش پانل دیتا و با روش اثرهای ثابت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره	احتمال مربوطه
C	-۰.۹۳۸	۰.۸۷۲	-۱.۰۷۶	۰.۲۸۲
LDK	-۰.۰۸۳	۰.۰۳۱	-۲.۶۷۴	۰.۰۰۸
LVN	-۰.۰۱۲	۰.۱۰۴	-۰.۱۱۶	۰.۹۰۸
LUR	۰.۱۱۶	۰.۰۴۱	۲.۸۲۲	۰.۰۰۵
LIR	۰.۱۵۳	۰.۰۶۷	۲.۲۶۹	۰.۰۲۴
R^2		۰.۷۳۵		
R^2 تعدیل شده		۰.۷۰۹		
انحراف استاندارد رگرسیون		۰.۲۲۳		
آماره F		۲۷.۲۹		
آلفای آماره F		۰.۰۰۰		

چنان‌که گفته شد، ضریب اثر متغیر شاخص موقوفه‌ها (LVN) معنادار نیست. بر این پایه این متغیر را از مدل کنار می‌گذاریم و مدل را با متغیرهای دیگر برآورد می‌کنیم. معادله رگرسیون آن با متغیرهای لگاریتمی به صورت ذیل است:

$$LPL = -1.075 - 0.0616 LDK + 0.1335 LUR + 0.0908 LIR$$

که در آن نرخ فقر (PL) به عنوان متغیر وابسته تابعی از درآمدهای اختصاصی کمیته امداد (DK)، نرخ بیکاری (UR) و نرخ تورم (IR) است. نتیجه برآورد مدل بدون این متغیر در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵: نتیجه برآورد مدل به روش پانل دیتا و با روش اثرهای ثابت

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره	احتمال مربوطه
C	-۱.۰۷۵	۰.۲۱۰۴	-۵.۱۱۱	۰.۰۰۰
LDK	-۰.۰۶۱۶	۰.۰۲۴۳	-۲.۵۳۴	۰.۰۱۲
LUR	۰.۱۳۳۵	۰.۰۳۸۴	۳.۴۷۸	۰.۰۰۰
LIR	۰.۰۹۰۸	۰.۰۵۸۸	۱.۵۴۵	۰.۱۲۳
R^2		۰.۷۳۸		
R^2 تعدیل شده		۰.۷۱۱		
انحراف استاندارد رگرسیون		۰.۲۲		
آماره F		۲۹		
آلفای آماره F		۰.۰۰۰		

چنان‌که دیده می‌شود اثر انفاق در چارچوب پرداخت به کمیته امداد امام خمینی علیه السلام بر کاهش فقر و اثر بیکاری و تورم بر افزایش فقر در کشور به روشنی تأیید می‌شود. ضریب اثرگذاری متغیرهای انفاق و بیکاری در سطح بالایی از معناداری پذیرفته می‌شود و اثرگذاری تورم بر فقر نیز با ضریب هر چند کمتر اما معناداری پذیرفته می‌شود. بر این پایه می‌توان گفت فرضیه اصلی پژوهش که اثر انفاق بر فقر بوده است پذیرفته می‌شود.

تحلیل یافته‌ها و جمع‌بندی

مدل از جهت اعتبار کل رگرسیون که بر پایه آماره آزمون F که اعتبار شیب رگرسیون یا کل رگرسیون را نشان می‌دهد، معتبر است. چون این آماره نشان می‌دهد با اعتماد بیش از ۰.۹۵ الگوی برآورد شده (رگرسیون) معتبر است.

آماره R^2 که نشان‌دهنده برازش خوبی مدل رگرسیون (ضریب تعیین الگو) است، ۰.۷۴ است که نشان می‌دهد متغیرهای وارد شده در مدل توانسته‌اند ۷۴ درصد تغییرهای فقر را توضیح دهند.

همان‌گونه که دیده می‌شود معیارهای خوبی برازش مدل نشان‌دهنده این است که مدل به خوبی برآورد شده است. آماره‌های شیب ضرایب به صورت تکی نیز نشان می‌دهد آلفای تمام متغیرها کوچک است و تمام ضرایب‌های متغیرها معتبر هستند. نتیجه‌های برآورد مدل نشان می‌دهد ضریب درآمدهای اختصاصی کمیته امداد (۰.۰۶۱۶-) است و اثر منفی بر فقر دارد؛ این متغیر از نظر آماری معنادار است. بر این پایه می‌توان گفت افزایش درآمدهای اختصاصی کمیته امداد، فقر را کاهش می‌دهد که بیان‌گر تأیید اثر فقرزدا بودن این نهاد مذهبی (بخشی از سرمایه مذهبی) است.

ضریب متغیر وقف بر افزایش فقر (۰.۰۱۲-) است معنای آن اثر کاهش‌دهندگی بر فقر است؛ اما این متغیر از نظر آماری معنادار نیست. یکی از علت‌های آن این است که در ایران وقف در جهت‌هایی انجام می‌شود که فقرزدا نیستند. وقف نیز بیشتر نیازمند دارایی است تا وقف شود و این هم می‌تواند رابطه نا روشنی با فقر را در الگو وارد کرده باشد.

ضریب متغیر نرخ بیکاری بر افزایش فقر (۰.۱۳۳۵) است که نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین بیکاری و افزایش فقر است؛ هم‌چنین این متغیر از نظر آماری معنادار است. این نتیجه بیان می‌کند که با کاهش بیکاری فقر نیز در جامعه کاهش می‌یابد.

ضریب متغیر نرخ تورم بر افزایش فقر (۰.۰۹۰۸) است که اثر مثبت بر افزایش فقر دارد. هر چند آماره آزمون معناداری (t) آن ۱.۵۴ است و اندکی معناداری آن کم است؛ اما چون از دیدگاه نظری این متغیر بر فقر اثر روشن دارد آن را از مدل کنار نگذاشته‌ایم و معناداری آن با همین اندازه را پذیرفته‌ایم؛ البته پایه تحلیل ما بر اثر انفاق بوده است و وجود این

متغیر یا کنار گذاشتن آن چندان اثری بر اصل کار ندارد. معنای این ضریب آن است که با افزایش تورم در کشور فقر نیز افزایش می‌یابد.

بر این پایه برآوردها نشان‌دهنده آن است که درآمدهای اختصاصی کمیته امداد اثر معناداری بر کاهش فقر دارد. درآمدهای اختصاصی کمیته امداد می‌تواند نماینده بخش مهمی از سرمایه مذهبی باشد. این درآمدها در برگیرنده درآمدهای مردمی و صدقه‌ها، برنامه جشن نیکوکاری و عاطفه‌ها، فطریه و کفاره، هدیه‌ها و نذرها، احیا و ترویج زکات و انفاق رمضان است. از دید اندازه اثر نیز این ضریب نشان می‌دهد هر یک درصد افزایش در درآمدهای کمیته امداد امام خمینی علیه السلام، ۰.۰۶ درصد فقر کاهش می‌یابد. رابطه مثبت و نامعناداری بین کاهش فقر و شاخص وقف برقرار است که می‌تواند به چند علت باشد: یک علت می‌تواند در دسترس نبودن داده‌های کامل و خوب این شاخص برای تمام سال‌های مورد پژوهش باشد. یکی از علت‌های دیگر آن است که در ایران وقف در جهت‌هایی انجام می‌شود که فقرزدا نیستند. وقف کردن نیز نیازمند دارایی است و وقف بیشتر در جامعه‌ای می‌شود که دارایی بیشتر داشته باشند. بر این پایه وقف بیشتر می‌تواند با دارابودن افراد جامعه رابطه مثبت و با فقر رابطه منفی داشته باشد. این پایه‌ها می‌تواند رابطه بی‌معنایی برای وقف با فقر در الگو وارد کرده باشد.

بیکاری اثر معناداری با افزایش فقر دارد. کار به عنوان مهم‌ترین منبع در دسترس گروه‌ها و خانوارهای فقیر نقش قابل توجهی در تأمین درآمدهای مورد نیاز این خانوارها دارد. همچنین بسیاری از افراد، زندگی خود را از راه فروش منابع کاری خود تأمین می‌کنند و نبود فرصت برای عرضه کار اثر به‌سزایی در زندگی آنان و کشاندن آنها به فقر داشته باشد. ضریب این متغیر نیز نشان می‌دهد با هر یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، ۰.۱۳ درصد فقر افزایش می‌یابد.

رابطه بین فقر و تورم نیز پذیرفته می‌شود. تورم به عنوان یک مالیات منفی اثر معناداری بر افزایش فقر دارد. تورم به‌طور نسبی وضعیت فقیران را نسبت به ثروتمندان بدتر می‌کند. در شرایط افزایش سطح قیمت‌ها بدون شک افرادی که در گذشته در زیر خط فقر بوده‌اند وضعیت‌شان بدتر می‌شود و درآمد واقعی‌شان کاهش می‌یابد. همچنین درآمد واقعی تمام افراد جامعه به‌ویژه افرادی که درآمد ثابت دارند کاهش می‌یابد؛ چون توان خریدشان

کاهش می‌یابد. ضریب این متغیر نیز نشان می‌دهد با هر یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، ۰.۰۹ درصد فقر افزایش می‌یابد.

چنان‌که گفته شد در بررسی اثر انفاق بر کاهش فقر دوگانه نتیجه گرفتیم. یکی اینکه اثر انفاق در چارچوب وقف تأیید نشد و دیگری اینکه اثر انفاق در چارچوب صدقه و پرداخت به کمیته امداد بر کاهش فقر تأیید شد. این یافته یک نکته مهم به ما می‌آموزد که هر چند انفاق می‌تواند فقر را کاهش دهد؛ اما هر گونه انفاقی نمی‌تواند بر فقر اثرگذار باشد و آن را کاهش دهد؛ بنابراین می‌توانیم انفاق‌ها را به دو دسته فقرزدا و غیر فقرزدا تقسیم کنیم. انفاق‌هایی که فقرزدا نیستند، هر چند پاداش خداوند متعال ﷻ را دارند و پرداخت‌کنندگان آنها اثر آن را در زندگی پس از مرگ و حتی این جهان خواهند دید؛ اما اینها اثرهای دیگری جز فقر زدایی دارند. در کنار اینها برخی انفاق‌ها هم هستند که فقرزدا هستند و در بررسی ما نمونه آن صدقه و پرداختی‌ها به کمیته امداد است.

از سوی دیگر چون این دو نمونه انفاق (وقف و صدقه و پرداختی به کمیته امداد) جای مصرف ناهمسانی دارند، می‌توان علت فقرزدا بودن و نبودن آن را به جای مصرف اینها ربط داد. بر این پایه می‌توان گفت یک علت اصلی فقرزدا یا غیر فقرزدا بودن انفاق‌ها جای مصرف انفاق است. اگر انفاقی در راه فقرزدایی به کار رود، می‌توان انتظار داشت اثر آن فقرزدایی باشد؛ اما اثر انفاقی که در این راه هزینه نشود می‌تواند چنین نباشد؛ پس اگر بخواهیم انفاق اثر فقرزدایی داشته باشد باید در این راه هم هزینه شود.

بر این پایه برای سیاست‌گذاری کاهش فقر می‌توان به گسترش انفاق‌های فقرزدا از هر نگاهی که به آن داریم یاری گرفت. نمونه این کار می‌تواند راه انفاق کمیته امداد و نهادهایی مانند آن باشد. این یک پیشنهاد سیاستی است که می‌توان از یافته‌های پژوهش پیش‌رو به‌دست آورد.

افزون بر اینها و غیر از اینکه انفاق می‌تواند فقر را کاهش دهد، می‌توان گفت برای کاهش فقر سیاست‌های اشتغال‌زا و کاهش‌دهنده تورم به‌خوبی اثرگذار هستند و می‌توانند به یاری فقرزدایی بیایند.

منابع و مأخذ

۱. ابوالفتحی قمی، ابوالفضل؛ درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر؛ تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۱.
۲. ابونوری، اسماعیل و آرش خوشکار؛ «اثر شاخص‌های اقتصاد کلان بر توزیع درآمد در ایران»؛ مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۷، ۱۳۸۵.
۳. ارضروم چیلر، نسرین؛ «ابعاد گوناگون فقر در ایران»؛ مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۳۸۴.
۴. اشرف‌زاده، سیدحمیدرضا نادر مهرگان؛ اقتصادسنجی پانل دیتا؛ چ ۱، تهران: مؤسسه تحقیقات تعاون دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
۵. باقری تودشکی، مجتبی؛ «کفایت (خط فقر شریعت)، مقیاسی قوی در دست حاکم برای جلوگیری از کار کودکان»؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، س ۱۳، ش ۱، ۱۳۹۲.
۶. باقری، فریده، نیما دانش‌پرور و حسین کاوند؛ محاسبه خط فقر و شاخص‌های فقر استان هرمزگان؛ تهران: گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی، پژوهشکده آمار، ۱۳۸۸.
۷. پاکزاد، عبدالعلی؛ «مهارت غلبه بر فقر مالی در قرآن»؛ مجله پژوهش‌های قرآنی، س ۱۵، ش ۵۷، ۱۳۸۸.
۸. خالدی، کوهسار و زورار پرمه؛ «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۷۵-۸۲)»؛ مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، س ۱۳، ش ۴۹، ۱۳۸۴.
۹. خداداد کاشی، فرهاد و محمد نبی شهیکی تاش؛ «تأثیر متغیرهای کلان بر فقر در ایران رویکرد بوت استرپ در تحلیل استنتاج آماری»؛ مجله نامه مفید، ش ۸۱، ۱۳۸۹.
۱۰. خداداد کاشی و همکاران؛ اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر؛ تهران: پژوهشکده آمار، ۱۳۸۱.
۱۱. دلیری، حسن و نادر مهرگان؛ «نقش سرمایه مذهبی (اخلاق) در توسعه اقتصادی»؛ نشریه علمی ترویجی راهبرد یاس، ش ۲۱، ۱۳۸۹.

۱۲. راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی؛ «فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۸۳ - ۱۳۶۸»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۴، ۱۳۸۶.
۱۳. زیبایی، منصور و عبدالرسول شیروانیان؛ «بررسی اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر نرخ فقر شهری و روستایی در ایران»؛ فصلنامه اقتصاد کشاورزی، ج ۳، ش ۲، ۱۳۸۸.
۱۴. سبحانی، حسن و وحید مهربانی؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۷، ش ۲۷، ۱۳۸۹.
۱۵. سرافراز، پورطهماسبی و انامی؛ «نقش سرمایه مذهبی در پیشرفت اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث»؛ مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی قرآن کریم سفینه النجاه عصر، ۱۳۹۰.
۱۶. سلیمی‌فر، مصطفی و جواد خزاعی؛ «موفقیت نظام تأمین اجتماعی ایران در کاهش فقر»؛ فصلنامه نامه مفید، ش ۵۱، ۱۳۸۴.
۱۷. صادقی، حسین، مرتضی عزتی و علی شفیعی؛ «برآورد تابع انفاق در ایران»؛ فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، س ۱۳، ش ۲، ۱۳۹۲.
۱۸. عزتی، مرتضی؛ «اثر ایمان مذهبی بر رفتار مصرف‌کننده»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۱۱، ۱۳۸۲.
۱۹. عزتی، مرتضی و لطفعلی عاقلی؛ «سرمایه مذهبی: ماهیت، عناصر تشکیل و آثار آن»؛ اولین همایش اقتصاد اسلامی و توسعه اقتصادی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۷.
۲۰. عزتی، مرتضی؛ «اثر سرمایه مذهبی بر مصرف»؛ مجموعه مقالات اصلاح الگوی مصرف، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۱. عزتی، مرتضی و علی شفیعی؛ «برآورد اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق در ایران»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۲، ش ۶، ۱۳۹۱.
۲۲. عزتی، مرتضی و پروانه نورمحمدلو؛ «بررسی اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق»؛ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، س ۲۰، ش ۶۳، ۱۳۹۱.

۲۳. عزتی، مرتضی و لیلا شهریار؛ «ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی علیه السلام در زمینه گردآوری زکات»؛ فصلنامه پژوهشنامه مالیات، س ۲۰، ش ۱۶ (پیاپی ۶۴)، ۱۳۹۱.
۲۴. کیاءالحسینی، سیدضیاءالدین؛ «نقش خمس و زکات در فقرزدایی و مقایسه آن با درآمدهای مالیاتی ایران»؛ فصلنامه پژوهشنامه مالیات، پیش شماره ۲، ۱۳۸۵.
۲۵. کیاءالحسینی، سید ضیاءالدین؛ «نقش زکات فطره در فقرزدایی (مطالعه موردی: ایران ۱۳۷۰ - ۱۳۸۵)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۳۱، ۱۳۸۷.
۲۶. مدنی، سعید؛ «فقر در ایران»؛ دوماهنامه سیاسی، راهبردی چشم‌انداز ایران، ش ۳۹، ۱۳۸۵.
۲۷. موسایی، میثم؛ «جایگاه اتفاق و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی آن (مطالعه موردی: شهر بهبهان)»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۸، ش ۳۰، ۱۳۸۷.
۲۸. موسایی، میثم و یوسف کرمی؛ «بررسی نقش خمس در رفع فقر: مطالعه موردی شهر شال قزوین»؛ نشریه راهبرد توسعه، ش ۱۶، ۱۳۸۷.
۲۹. مهرگان، نادر و حسن دلیری؛ «سرمایه مذهبی یا سرمایه اجتماعی، کدام یک برای اقتصاد مطلوب‌ترند؟»؛ دو فصلنامه علمی تخصصی معرفت اقتصادی، ش ۲، ۱۳۸۹.
۳۰. میسمی، حسین؛ فقر، نابرابری درآمدی و مؤلفه‌های سرمایه انسانی؛ تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.